

چهار واقعیت آخرین بیانیۀ FATF

درباره مهلت ۴ ماهه، ارتباط گوشت و FATF، نقش مجمع تشخیص مصلحت و ترجمه صحیح بیانیه «۲»

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای فرهیختگان، نگاه جوانان

۶ صفحه
۶۰۰ تومان

دستپخت نوروزی سیما را بچشید
اخم سریال‌های
تلویزیون بازمی‌شود

شماره مسلسل ۳۳۵۲
پخشیه ۵ اسفند ۱۳۹۷
۱۸۰ جلدی‌الثانی ۱۴۴۰
۲۴ فوریه ۲۰۱۹
شماره ۳۷۱۴

www.fdn.ir | Sun | 24 Feb 2019 | vol.10 | No. 2714 | 16 Pages

جزئیاتی از ۶ ایراد کلان اقتصاد ایران
که باید در دهه پنجم انقلاب رفع شود

مهندسی خروج
از چالش اقتصادی

دکتر طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:
رمز بیانیۀ گام دوم تبدیل انقلاب
به نظام انقلابی است

مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا دوشنبه در پایتخت کلمبیا با گروه لیما
درباره ونزوئلا دیدار و گفت‌وگو می‌کند
بوگوئا؛ «ورشو»ی آمریکای لاتین

یادداشت یادداشت

شفاف‌سازی؛ گام نخست تصویب قوانین مالیاتی

می‌کنند؟ چه تعداد از این شرکت‌ها و موسسات، دولتی و چه تعداد خصولتی است؟ اینها بخشی از پرسش‌هایی است که باید دولت و مجلس پیش از تصویب قوانین مربوط به مالیات به آنها پاسخ دهند و درمورد عملکرد و شیوه درآمدزایی هر یک از این نهادها، اطلاعات دقیق و شفاف و در اختیار داشته باشند.

نکته حائز اهمیت در تصویب قوانین مالیاتی این است که در حال حاضر فرارهای مالیاتی در کشور وجود دارد. این امر موجب شده تا اقشار حقوق‌بگیر جامعه بدون استفاده از هیچ رانتی و در واقع با اجبار مجبور به پرداخت مالیات باشند و عده‌ای با وجود برخورداری از سرمایه‌های عظیم و فعالیت‌های اقتصادی کلان، فراریان مالیاتی محسوب شوند.

اگر دولت در لایحه بودجه سال ۹۸، رقمی معادل ۱۵۳ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی پیش‌بینی کرده، در وهله نخست باید اطلاعات دقیقی از میزان مالیات پرداختی شرکت‌ها و موسسات دولتی و خصولتی در سال جاری ارائه کند. باید مشخص شود آیا تاجار بزرگ، شرکت‌های بزرگ دولتی، شرکت‌های نفتی، شرکت‌های خودروسازی و همه شرکت‌ها و موسساتی که مکلف به پرداخت مالیات هستند، تاکنون، مالیات‌های مکلف خود را به صورت تمام و کمال پرداخته کرده‌اند یا از پرداخت مالیات فرار کرده و به‌جای آن سودهای کلانی را به جیب زده‌اند؟ بی‌شک تا زمانی که عملکرد دولت در مقوله اخذ مالیات شفاف نباشد، تصویب قوانین جدید، درجه اهمیت کمتری خواهد داشت. به جرأت می‌توان گفت دولت در نظام تدوین بودجه و محاسبه درآمدهای خود هیچ‌یک از موارد توصیه‌شده از سوی مقام معظم رهبری را مدنظر قرار نداده و این درحالی است که اقتصاددانان بر این امر واقف هستند که هر فردی در هر کشوری، متناسب با درآمدهای خود، موظف به پرداخت مالیات به دولت است و دولت می‌تواند با افزایش پایه‌های مالیاتی، درآمدهای خود را افزایش دهد. در واقع می‌توان گفت یکی از سالم‌ترین درآمدهای دولت از محل دریافت مالیات تأمین می‌شود مشروط بر اینکه با شفاف‌سازی و تبیین سیاست‌های خود در بخش درآمدهای مالیاتی، دست رانت‌خواران را از اقتصاد کشور کوتاه کند. رویه‌ای که به‌نظر می‌رسد دولت اراده‌ای در انجام آن ندارد.

بیژن عبیدی
اقتصاددان و استاد دانشگاه

اقدام‌نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تصویب قانون ملزم کردن «آستان قدس رضوی»، «ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)» و «بنگاه‌های اقتصادی نیروهای مسلح» در پرداخت مالیات، به نوبه خود یک اقدام مثبت و ارزشمند برای کمک به درآمدهای دولت است که می‌تواند مانع از کسری بودجه دولت در طول یک‌سال باشد. اما فارغ از اهمیت کسب درآمدهای مالیاتی برای دولت، پیش از هر امری باید به این نکته توجه کرد که اخذ مالیات از بخش‌های مختلف، نیازمند حساسیتی شفاف است. در واقع اهمیت شفاف‌سازی عملکرد دستگاه‌ها، پیش‌نیاز تصویب قوانین مالیاتی است.

آنچه مقام معظم رهبری بارها در بیانات خود بر آن تأکید داشته‌اند و آن را یکی از ملزومات تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند، اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی بوده است. بنابراین اقدام مجلس در تصویب قانون الزام پرداخت مالیات از سوی سه ارگان مذکور، به‌واقع اقدامی دیر هنگام است.

اما در تحلیل تصویب این قانون آنچه اهمیت دارد، درنظر گرفتن مولفه‌هایی است که به‌نظر می‌رسد از نگاه نمایندگان مجلس مغفول مانده است. اینکه اخذ مالیات از «آستان قدس رضوی»، «ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)» و «بنگاه‌های اقتصادی نیروهای مسلح» به کدام بخش از منابع درآمدی این بخش‌ها تعلق می‌گیرد. برای مثال باید اعلام شود کدام قسمت از فعالیت‌های ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)، مشمول پرداخت مالیات است. آیا بخش‌های مکلف به پرداخت مالیات، سودآوری لازم را دارد تا دولت بتواند به‌واسطه دریافت مالیات از این بخش‌ها منتفع شود؟ آیا شرکت‌ها، موسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه این قانون، مالکیت این بخش‌ها را داشته یا تنها به‌عنوان پیمانکار در بنگاه‌های اقتصادی فعالیت

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای صمد احدزاده

با ابراز همدردی و تأسف و تسلیم در برابر مشیت الهی، اندوه و غم از دست دادن ناگهانی پدر عزیزتان را تسلیت عرض می‌نمایم. از خداوند متعال برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل و برای آن عزیز از دست‌رفته، غفران الهی از درگاه خداوند متعال مسالت داریم.

از طرف همکاران شما در روزنامه فرهیختگان

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای احدزاده

کل من علیها فان و بقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام، ضایعه درگذشت پدر گرامی‌تان را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال صبر برای شما و خانواده محترم خواهانیم.

مرکز نشر علمی و رسانه‌های دانشگاه آزاد اسلامی

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای یاسین سادات رسول

با نهایت تأسف ضایعه دردناک درگذشت والده گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای آن مرحومه مغفوره علو درجات و برای جنابعالی، خانواده محترم و عموم بازماندگان صبر و اجر جزیل مسالت دارم.

از طرف حمیدرضا کریمیان

سازمان آگهی‌های روزنامه فرهیختگان

Advertisement's Organization

تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۴۶-۶۶۳۴۸۰۱۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۳۴۸۰۱۷

@agahifdn

ایمیل: a66348018@gmail.com

حداقل مزد منطقه‌ای راهکاری برای کارآمدی تعیین سبد معیشت کارگران تعیین مبلغ سبد معیشت، دردی از کارگران دوانمی‌کند

راه‌حل این معضل

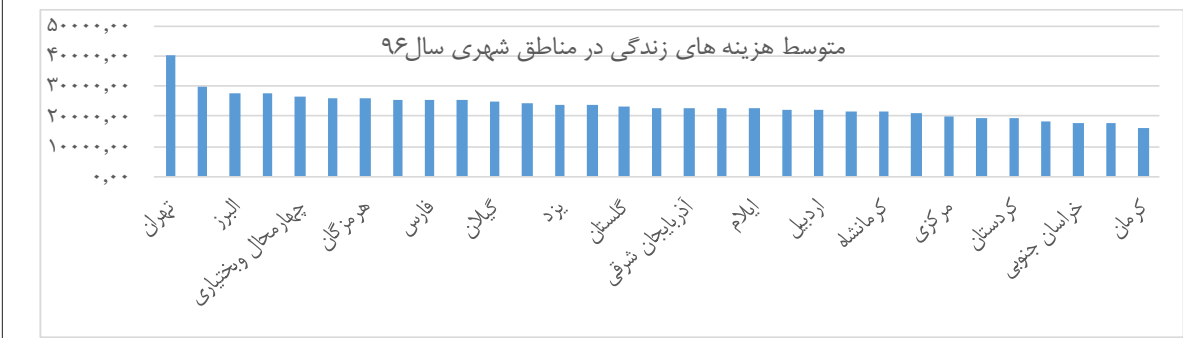
با نگاهی به گزارش‌هایی که مراکز مختلف از هزینه‌های زندگی ارائه کرده‌اند به وضوح می‌توان دید که هزینه‌های زندگی در استان‌های مختلف با یکدیگر تفاوت چشمگیری دارد. به گزارش مرکز آمار ایران، نمودار زیر متوسط هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف شهری در استان‌های مختلف را نشان می‌دهد.

در گزارش‌هایی که مرکز پژوهش‌های مجلس و بانک مرکزی نیز از هزینه‌های زندگی در نقاط مختلف کشور منتشر کرده‌اند به‌روشنی می‌توان این تفاوت را در هزینه‌های زندگی مشاهده کرد.

یکی از عوامل مهمی که موجب می‌شود مبلغ اعلام‌شده از سوی شورای عالی کار به‌عنوان سبد معیشت غیرواقعی به‌نظر برسد و عملیاتی نباشد، نادیده گرفتن تفاوت هزینه‌های خانوار در مناطق مختلف کشور است. نمایندگان کارفرمایی هیچ‌گاه هزینه اعلام‌شده برای سبد هزینه‌های خانوار را نمی‌پذیرند. چنانچه شورای عالی کار به اجبار هم بتواند چنین مبلغی را به‌عنوان دستمزد تعیین کند، افزایش قابل‌توجه حداقل دستمزد در مناطقی که هزینه زندگی پایین‌تری دارند، موجب اخراج کارگران را فراهم کرده و فشار بیشتری به کارگران وارد می‌کند؛ لذا با توجه به پراکندگی قابل‌توجه هزینه‌های زندگی در نقاط مختلف کشور، دستمزدها نیز باید در مناطق مختلف متفاوت باشد، مطلبی که ماده ۴۱ قانون کار نیز به آن تصریح کرده است: «شورای عالی کار همه‌ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف، با در نظر گرفتن سبد معیشت و نرخ تورم بانک مرکزی تعیین کند.»

دکتر علیرضا امینی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی نیز در رابطه با حداقل دستمزد منطقه‌ای می‌گوید: «در حال حاضر یکی از راه‌هایی که بتوان تعیین حداقل دستمزد را به‌صورت دقیق‌تر و مشخصا بهینه‌تر و هدفمندتر تعیین کرد این است که به تفاوت‌های هزینه‌های زندگی در سطح استانی توجه کنیم؛ یعنی اینکه حداقل دستمزد را در سطح هر استان به‌طور جداگانه برای هر منطقه در نظر بگیریم. به‌طور خاص استان‌هایی که بنگاه‌های اقتصادی ضعیف‌تری دارند مورد توجه قرار بگیرند و به استان‌هایی که هزینه زندگی در آن بیشتر از سایر استان‌هاست، توجه بیشتری شود و دستمزد بیشتری دریافت کنند. این طرح بین کشورهای منطقه سابقه اجرا دارد و موفق نیز بوده است.»

برای کارآمدی تعیین سبد معیشت، توجه به تفاوت هزینه‌های زندگی در نقاط مختلف کشور امری ناگزیر است؛ امری که اگر به‌درستی انجام شود هم زمینه‌سازی برای اجرای صحیح ماده ۴۱ قانون کار و تعیین مزد منطقه‌ای را فراهم می‌کند و هم موجب می‌شود حداقل مزدی که کارگران دریافت می‌کنند تأمین‌کننده سبد معیشت آنان باشد.



داوود خدابخنده
روزنامه نگار

چکیده

نادیده گرفتن تفاوت هزینه‌های زندگی در استان‌های مختلف موجب می‌شود تعیین مبلغ سبد معیشت کارگران هیچ تأثیر مثبتی در تعیین حداقل مزد نداشته باشد.

همه‌ساله شورای عالی کار پیش از تعیین حداقل دستمزد به بررسی مبلغ سبد معیشت کارگران می‌پردازد تا بر مبنای آن حداقل دستمزد سال آینده را تعیین کند؛ اما از آنجا که تفاوت هزینه‌های زندگی در نقاط مختلف کشور را در نظر نمی‌گیرد، عملیاتی‌تواند این محاسبه را در تعیین حداقل مزد اعمال کند.

سال گذشته با اینکه حداقل هزینه معیشت خانوار حدود دویلمیلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین شده بود، حداقل دستمزد یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تعیین شد. امسال هم جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل مزد سال ۹۸ چند هفته‌ای است که در حال برگزاری است. در جلسه چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه، کمیته دستمزد پس از بحث و تبادل نظر میان نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت، رقم سه‌میلیون و ۷۵۹ هزار و ۲۰۰ تومان به‌عنوان را سبد معیشت خانوار کارگری با میانگین ۲۱۳ نفر تعیین کرد و به‌تأیید سه‌جانبه رساند. براساس روندی که شورای عالی کار در سال‌های گذشته داشته است، حتی اگر این شورا بتواند دستمزد سال آینده را ۳۰ درصد افزایش دهد، جامعه کارگری طبق همین محاسبات هم باید از هزینه‌های زندگی خود چشم‌پوشی کند.

حال سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر مبلغ تعیین‌شده برای سبد معیشت واقعی است، کارگران مابقی هزینه‌های زندگی خود را از کجا باید تأمین کنند؟ آیا تعیین دستمزدی که طبق محاسبات خود شورای عالی کار کفاف ۵۰ درصد هزینه‌های سبد معیشت را هم نمی‌دهد، ظلم در حق جامعه زحمت‌کش کارگری نیست؟

به‌راستی چه چیزی مانع از این می‌شود که عدد تعیین‌شده برای سبد معیشت را نتوان به‌عنوان حداقل دستمزد تعیین کرد؟ مگر غیر از این است که طبق ماده ۴۱ قانون کار، حداقل مزد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود تأمین کند؟ آیا تعیین دستمزدی که نتواند هزینه زندگی را تأمین کند، برخلاف متن صریح قانون نیست؟